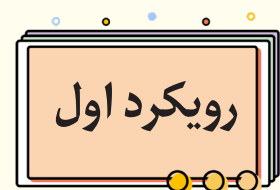


مجازات یا حمایت؟

در طول تاریخ تقریباً تمام جوامع، با مسئله‌ی تن‌فروشی روبرو بوده‌اند. مسأله‌ای چنین همه‌گیر و رایج را نمی‌توان در سکوت رها کرد. بی‌اعتنایی، فقط بی‌تفاوتی و بی‌عملی را گسترش می‌دهد و ثمر دیگری ندارد، زیرا قضیه هم‌چنان پابرجا است و چه بسا که افزایش یابد.

در میان مردم و مسئولان جامعه‌ی ما، دو رویکرد کلی نسبت به زنان تن‌فروش وجود دارد:

به زنان تن‌فروش هم‌چون افرادی بی‌بند و بار و مُجرم نگاه می‌کند و راهکاری که برای این مشکل دارد، تنبیهی و مجازات‌محور است: استفاده از نیروی انتظامی و راهکارهای قضائی، جمع‌آوری و دستگیری این زنان، به زندان افکندن و دیگر مجازات‌های سنگین. در این دیدگاه، به عوامل و زمینه‌های بروز تن‌فروشی توجه چندانی نمی‌شود.



نگاهی همدلانه‌تر به وضعیت این انسان‌ها دارد و به جای حذف، به دنبال احیاء و بازگردانی زنان آسیب‌دیده است. در این رویکرد، پیش‌زمینه‌ها و دلایل تن‌فروشی در نظر گرفته می‌شود. سپس با تغییر دادن پیش‌زمینه‌ها، از ادامه یافتن و گسترش تن‌فروشی جلوگیری می‌شود. نوشتار حاضر می‌کوشد تا به این رویکرد نزدیک بشود.

هر یک از ما انسان‌ها در انتخاب‌های زندگی‌مان، سهم و مسئولیت داریم و زنی که تن‌فروشی می‌کند نیز فقط قربانی منفعل شرایط بد نیست، اما «انتخاب درست»، به پیش‌زمینه‌هایی نیاز دارد. به عنوان مثال، یک انتخاب رشته‌ی موفقیت‌آمیز، به میزان قابل توجهی بستگی دارد به این‌که علایق خود را بشناسیم؛ از شرایط رشته‌های مختلف آگاه باشیم؛ حمایت فکری و عاطفی خانواده، اطرافیان یا اولیای مدرسه را حس کنیم؛ گزینه‌های مناسبی در اختیار داشته باشیم و ... در مورد انتخاب مسیرهای زندگی نیز چنین است. در زندگی زنان تن‌فروش، این‌گونه پیش‌زمینه‌ها، به شدت کم و دشواریاب‌اند. مسئولیت فردی جایگاه خود را دارد اما برای به جریان افتادن آن، باید - تا جای ممکن - زمینه‌ها را مهیا نمود.

برای درک موقعیت زنان تن‌فروش و جلوگیری از پیش‌داوری ناعادلانه و نیز اصلاح شرایط، بهتر آن است که نگاهی دقیق‌تر و نزدیک‌تر به زندگی ایشان بیندازیم.

ابره‌ای تیره
گل‌های آسمان می‌شوند
وقتی که نور
آنها را ببوسد.^۱

(۱) «ماه نو و مرغان آواره»، سروده‌ی «رابیندرانات تاگور»، ترجمه ع پاشایی، نشر ثالث، ۱۳۸۹.